

در شرایط تورمی امروز معنای یابد «کاهش قدرت خرید» یک شاخص اقتصادی نیرومند

«کاهش قدرت خرید» یکی از مسائل ملموسی است که تقریباً همه اقتصاددانان و مسئولان بر آن تاکید دارند. بروز این پدیده که حالا دامن طبقات ضعیف و متوسط را گرفته است، فقط مسأله اخلاقی یا اجتماعی نیست. کاهش قدرت خرید در شرایط تورمی می تواند به یک شاخص اقتصادی نیرومند تبدیل شود.

به گزارش ایسنا، زمانی که قدرت خرید مردم کاهش پیدای کند آنها به تدریج از برخی از نیازهای خود چشم پوشی می کنند؛ این مساله در مجموع باعث کاهش تقاضای کل در بازار خواهد شد که در نتیجه آن تولید کنندگان هم در مضیقه قرار خواهند گرفت، چرا که آنها برای جبران هزینه های تولید، به فروش محصولات خود نیاز دارند.

کاهش قدرت خرید و ایجاد کود تورمی

در حالت عادی اگر همه آن محصولات تولید شده فروش نروند صاحبان تولید یا باید کار خود را تعطیل کنند و به سراغ کار دیگری بروند یا باید آن تعداد کالا هایی هم که می توانند به فروش برسانند را به قیمتی بالاتر به فروش برسانند تا بتوانند هزینه های شان را جبران کنند. به این شرایط افزایش هزینه های تولید را هم اضافه کنیم؛ آنگاه نگاه های تولیدی فشار بسیار بیشتری را هم متحمل خواهند شد.

در این فرایند کاهش قدرت خرید که خود یک متغیر وابسته به تورم است به مرور زمان باعث ایجاد رکود هم می شود. حالا این پدیده جدید که «رکود تورمی» نام دارد از یک سبوه مصرف کننده فشار می آورد و از سوی دیگر فشار ها را بر تولید کننده مضاعف می کند. فشار هایی که اگر ادامه پیدا کند ممکن است باعث ورشکستگی بنگاه های تولیدی و ایجاد پیامدهای اجتماعی دیگری مانند گسترش بیکاری شود.

راهکار گریز از این چرخه باطل در همان حلقه واسط «قدرت خرید» است. تنها با افزایش قدرت خرید مردم است که می توان تقاضا در بازار سرپا نگه داشت و به بازار رونق داد. برای افزایش قدرت خرید مردم در راهکار اساسی وجود دارد؛ یکی دادن یارانه به شهروندان یا کالاها و دیگری اعمال راهکار های تعزیراتی برای کنترل قیمت ها و جلوگیری از افزایش تورم.



تقویت طرف تقاضا با پرداخت نقدی یارانه

برخی اقتصاددانان معتقدند که این شیوه اعطای یارانه غیر مستقیم توسط دولت علاوه بر اینکه باعث اتلاف منابع می شود به گروه های کم درآمد هم نمی رسد و بهتر است دولت به سمت پرداخت یارانه های نقدی حرکت کند.

در این باره علی سعدوندی در گفت و گو با ایسنا می گوید: «باید سعی کنیم یارانه های غیر نقدی را به یارانه نقدی تبدیل کنیم؛ در غیر این صورت خروج کالاها از کشور بیشتر خواهد شد و چاقاق افزایش پیدا خواهد کرد. در مورد بنزین هم به همین ترتیب است»، بر اساس این تفکر که البته تفکری بازار آزا دی هم محسوب می شود، دولت برای کاهش هزینه هایش باید به تدریج خود را از گرد داب پر داخت یارانه های غیر نقدی خارج کند تا علاوه بر کاهش فضای واسطه گری ها از اتلاف منابع هم جلوگیری کند. در این تفکر دولت باید برای حمایت از اقشار ضعیف تورم و افزایش قدرت خرید آنها به آنها یارانه نقدی پرداخت کند.

تورم ۵۲ درصدی تولید کننده

خطری برای همه

خاصیت دیگر پرداخت نقدی یارانه ها این است که در این شرایط شبه رکود تورمی، آمدن پولی به دست مردم می تواند باعث تقویت تقاضا برای خرید کالا و رونق گرفتن بازارها شود. در این مدل نظری هم می توان از فشار وارده به اقشار ضعیف تر کاست و هم از تشدید رکود جلوگیری کرد.

به گزارش ایسنا، بانک مرکزی در تازه ترین گزارش خود، تورم تولید کننده را تا پایان دی ماه امسال (۱۳۹۸) ۳۴.۲ درصد و تورم نقطه به نقطه را با یک درصد کاهش ۵۲.۹ درصد اعلام کرد. این آمار از این جهت حائز اهمیت است که معمولاً به عنوان شاخصی پیش نگر شناخته می شود؛ به این معنا که تغییرات در نرخ تورم حوزه تولید بعد از چند ماه به حوزه مصرف هم سرایت می کند و تورم مصرف کننده را تعیین می کند.

مسئولیت گریزی دولت می تواند خطرناک باشد

اهرمی برای تقویت نیروهای گریز از مرکز



عمیقی وجود دارد.

در دهه فجر هستیم و این روزها طبیعتاً پس از گذشت چهار دهه یادآور مجاهدت ها، شهادت ها و ایثارهای گسترده مردم ایران به امید دستیابی به وضعیت مناسب تر است، در عین حال زمان مناسب برای بازنگری های بنیادی درباره آنچه می خواستیم و آنچه محقق شده و نیاز مرکز را در مناطق بسیار فقیر نشین حاشیه کشور تقویت می کند.

این اقتصاددان در نشست هفتگی موسسه دین و اقتصاد افزود: باید توجه داشت که ۳۰ سال است از این شیوه برای اداره کشور استفاده می شود و نمایندگان مجلس توجه داشته باشند که تمام مطالعات از سال ۱۳۷۰ تا امروز نشان می دهد وقتی دولت از طریق سیاست های تورمز را به دنبال کسب در آمد باشد افلاس و فلاکتی که در جنبه مالی گریبانگیر دولت می شود به مراتب بسیار بیشتر از مردم و تولید کنندگان خواهد بود.

وی با نگاه به اقتصاد اسلامی به مثابه یک سیستم، یادآور شد: در چند هفته گذشته از ناحیه یک اسلام شناس تعابیر بسیار شگفت انگیزی در مورد فلسفه انقلاب اسلامی مطرح شد به این مضمون که انقلاب اسلامی تعهدی به مسئله رفع فقر و نابرابری های ناموجه و... ندارد. باید توجه داشت که اگر جامعه

با این قرائت اداره شود، سرنوشتی پیدا می کند و اگر با قرائت امسال شهید بهشتی یا شهید مطهری اداره شود، سرنوشت دیگری پیدا خواهد کرد. اینگونه ادعاها در حالی مطرح می شود که بسیاری از رهبران دینی تاکید داشتند که بین فقر و کفر رابطه

غیرمسلمانان از مسلمانان بسیار بیشتر است پس شیوه اصولی فهم و عرضه منطق اسلام باید به شیوه ای باشد که عقل بر نقل تقدم داشته باشد یعنی شیوه عرضه باید عقل محور باشد. همچنین اینکه ادیان در این زمینه حرف مشخصی دارند یا نه؛ من از شیوه استدلال جان نویل کینز پدر جان مینارد کینز استفاده می کنم که هم عقلی است و هم بی طرفانه.

ایشان تعبیری به این مضمون دارد که بخش بزرگی از کج فهمی ها در عرصه اداره اقتصاد ملی به این مربوط است که درک درستی از ارکان شکل دهنده علم اقتصاد در میان اقتصادخوانان آن وجود ندارد. وی مطرح می کند پیکره علم اقتصاد از سه جزء اثباتی، هنجاری و هنر تشکیل یافته است معمولاً در دانشگاه ها بجز اول علم اقتصاد گفته می شود و از ارکان کلیدی بعدی غافل هستند بنابراین می گوید این مربوط به آنهاست و ربطی به عالمان اقتصادی ندارد.

وی یادآور شد: حدود ۱۵ سال پیش مقاله ای منتشر شد از اقتصادشناس بزرگ معاصر دیوید کلندر که در آن عنوان شده بود که چون جزء هنر در نظام آموزش علم اقتصاد در آمریکا فراموش شده و اهمیت بایسته به آن نمی شود پیش بینی می شود که به زودی اقتصاد آمریکا با بحران روبرو می شود و همان طور که مشاهده کردیم کمتر از ۱۰ سال این کشور با یکی از بحران های بزرگ تاریخ بشر روبرو شده و به سایر کشورها نیز سرایت کرد.

پس اگر به همه ارکان توجه نشود آن سیستم اقتصادی قطعاً با بحران روبرو خواهد شد. در نتیجه تقریباً اکثر

طی این سال ها هیچ

یک از اهداف از پیش

تعیین شده محقق نشد

و در کنار آن با انبوه

بی سابقه ای از ناهنجاری ها،

به هم ریختگی ها، بحران ها

و البته فاجعه های انسانی،

اجتماعی و محیط زیستی

رو به رو شدیم

اقتصاددانان باور دارند که نظام باورها نقش تعیین کننده و به تعبیر جان نویل کینز رکن محوری دارد و اگر بایسته های آن رعایت نشود می تواند بحران آفرینی کند.

وی با بیان اینکه دین مانع توسعه نیست، گفت: وقتی ما از اقتصاد اسلامی به مثابه یک سیستم صحبت کنیم مسئله حیاتی این است که بیان کنیم منظور ما از اقتصاد اسلامی کدام اقتصاد اسلامی است؟ این موضوع در دانش توسعه یک موضوع بسیار جذاب و مهم است چون بخش قابل اعتنا یی از دانش توسعه به رابطه دین و توسعه اختصاص دارد و تقریباً عموم متفکران بزرگ در عرصه علوم انسانی در موضوع اتفاق نظر دارند که دین به خودی خود مانع توسعه نیست اما در عین حال بلافاصله تصریح می کنند که کدام قرائت از دین در دستور کار است. بنابراین صحبت ما در ایران و در کادر قانون اساسی با قرائت دکتر شهید بهشتی همسو است اما می دانیم که قرائت های دیگر نیز وجود دارد.

استاد دانشگاه علامه طباطبایی متذکر شد: بنابراین قرائت در این

زمینه بسیار مهم است. همین چند هفته گذشته از ناحیه یک اسلام شناس یک تعابیر بسیار شگفت انگیزی در مورد فلسفه انقلاب اسلامی مطرح شد به این مضمون که انقلاب اسلامی تعهدی به مسئله رفع فقر و نابرابری های ناموجه و... ندارد. باید توجه داشت که اگر جامعه با این قرائت اداره شود سرنوشتی پیدا می کند و اگر با قرائت امسال شهید بهشتی یا شهید مطهری اداره شود سرنوشت دیگری پیدا خواهد کرد. اینگونه ادعاها در حالی مطرح می شود که بسیاری از رهبران دینی تاکید داشتند که بین فقر و کفر رابطه عمیقی وجود دارد.

این اقتصاددان با اشاره به موضوع افزایش نرخ بنزین گفت: وقتی تکلیف ما از مسئله عدالت اجتماعی و توسعه از دیدگاه اسلامی مشخص نباشد در امر سیاست گذاری هم دچار آشوبناکی فکری و بحران سازی عملی خواهیم شد برای نمونه دوباره بحث افزایش قیمت بنزین مطرح شده است و یا کسانای دوباره به دنبال افزایش نرخ از هستند و ادعا می کنند که به صورت نقدی می توان ضرر شهروندان را جبران کرد. سوال من این است که چرا ما قادر به یادگیری از تجربه های مکرر آموخته نشده در داخل کشور نیستیم؟ و چرا مردم باید هزینه این عدم یادگیری ها را بپردازند؟

وی ادامه داد: به نمایندگان گرامی مجلس که باید در رساله این موضوع تصمیم بگیرند یادآور می شوم که در تجربه قبلی پرداخت یارانه نقدی و وارد کردن شوک به قیمت حامل های انرژی در هیچ یک از عرصه ها، مصرف حامل های انرژی کاهش پیدا نکرد چون ادعا می شود که هدف آن است. در مقابل مصرف آنها افزایش یافت، گرانی ها شدت گرفت و ارزش یارانه نقدی پرداختی از نظر قدرت خرید به سمت صفر متمایل شد.

مومنی تصریح کرد: در کنار این که هیچ یک از اهداف از پیش تعیین شده محقق نشد با انبوه بی سابقه ای از ناهنجاری ها، به هم ریختگی ها، بحران ها و البته فاجعه های انسانی، اجتماعی و محیط زیستی روبه رو شدیم. در آن شیوه اداره کشور که از طریق به فلاکت انداختن مردم کسب در آمد شد مشاهده می شود که دولت با شتاب بیشتری به سمت فروپاشی مالی، تولید کنندگان به سمت ورشکستگی و مردم به سمت فلاکت مضاعف حرکت کردند. بر اساس استاندارد شاخص فلاکت، اندازه شاخص در پایان دوران احمدی نژاد تقریباً دو برابر ماه های آغاز به کار ایشنا بود. از برآیند این تجربه می توان یاد گرفت که این



تمام مطالعات از سال ۱۳۷۰

تا امروز نشان می دهد وقتی

دولت از طریق سیاست های

تورمز را به دنبال کسب

در آمد باشد افلاس و فلاکتی

که در جنبه مالی گریبانگیر

دولت می شود به مراتب

بسیار بیشتر از مردم و

تولید کنندگان خواهد بود

اتفاقات باعث شد تا نابرابری های ناموجه به صورت بی سابقه و شکننده افزایش یابد و نشان داد که زور منافع رانتی ائتلاف غیر مولدها بیشتر از منافع تولید کنندگان، مردم و توسعه ملی است.

وی با بیان اینکه توصیه برای افزایش قیمت بنزین متکی به یک سلسله خلاف گویی های حیرت انگیز است، گفت: از نمایندگان درخواست دارم در برابر این خلاف گویی ها تا جایی که توان دارند مطالبه سسند معتبر کنند. برای نمونه گفته می شود چون قیمت بنزین ارزان است نیروی محر که مصرف شده است در حالی اگر قیمت های مطلق ملاک قضاوت باشند مطلقاً اعتبار علمی ندارد و در اقتصاد با قیمت های نسبی سروکار داریم که باید نسبت دستمزد و حقوق پرداختی در آن لحاظ شود تا درک واقع بینانه ای داشته باشیم.

وی ادامه داد: همچنین ادعا می شود که مصرف بنزین ایران بسیار زیاد است در حالی که مستندات حکایت از این دارد که تقریباً همه کشورهای صنعتی و همه کشورهای صادر کننده عمده نفت مصرف سرانه بنزین شان بیشتر از ایران است. در سال ۲۰۱۸ مصرف سرانه بنزین در آمریکا و کانادا بیش از ۵ برابر ایران بود و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس نیز سه برابر ایران مصرف بنزین داشتند. وقتی نسبت بهای بنزین به هزینه های مصرف نهایی خانوارها مینا باشد بهای بنزین در ایران یک و نیم تا ۶ برابر بیشتر از کشورهای oecd است و البته این نسبت در کشورهای خلیج فارس هم موضوعیت دارد. وی افزود: همچنین هزینه نهایی استفاده از خودرو نسبت به کل مخارج خانوارها در ایران بین ۱۰ تا ۳۰ برابر کشورهای پیشرفته صنعتی و بین ۱۰ تا ۱۰۰ برابر کشورهای اعراب جنوب خلیج فارس است.



شاخص واحدی بازار دوم به افت ۴۸۰۹ واحدی روبرو شد. در این مدت شاخص صنعت با ۲۵۲۰ واحد کاهش در تراز ۱۴۳ هزار و ۱۳۸ واحدی قرار گرفت و شاخص ۵۰ شرکت فعال تر ۱۴۴ واحد افت کرد.

و ۵۸۶ واحدی را تجربه کرد. با این حساب شاخص آزاد شناور در پنج روز کاری افت ۱۰۴ درصدی را نشان می دهد. شاخص بازار اول نیز در هفته گذشته کاهش بود و در نهایت ۲۰ هزار و ۴۸ واحد کاهش یافت همچنین

افزایش سرمایه ها با اما و اگر هایی روبرو است. در پنج روز کاری هفته گذشته در بورس تهران شاخص کل ۲۶۴۶ واحد کاهش یافت و از تراز ۱۶۲ هزار و ۹۴۱ واحدی تا رقم ۱۶۰ هزار و ۲۹۵ واحدی افت کرد و در نتیجه کاهش ۱.۶ درصدی را رقم زد. این شاخص از ابتدای سال جاری رشد ۶۴ هزار واحدی را نشان می دهد که علت این رشد به افزایش قیمت ارز های خارجی برمی گردد.

در سوم بهمن ماه سال جاری شاخص آزاد شناور در تراز ۱۷۸ هزار و ۵۲ واحدی قرار داشت که تا پایان روز معاملاتی هفته گذشته ۲۴۶۶ واحد افت کرد و رقم ۱۷۵ هزار

آنها نسبتاً کاهش می یابد؛ این موضوع به شدت کفه عرضه را نسبت به تقاضا سنگین تر می کند.

در هفته گذشته شاهد کاهش قیمت ها در بیشتر گروه های بزرگ بودیم و بازار بر پایه گروه های کوچک از جمله قندی ها و سیمانی ها چرخید؛ به طوری که در روز هایی شاخص کل هم وزن بر خلاف نماگر اصلی بازار حرکت کرد.

در این مدت موضوع افزایش سرمایه شرکت ها از طریق تجدید ارزیابی دارایی ها اخباری است که گه گاه به گوش سهام داران می رسد، اما همچنان به وقوع پیوستن این

کاهش نقدینگی در پایان سال و ابهامات در افزایش سرمایه بر خسی از شرکت ها در کنار افزایش ریسک های سیستماتیک بازار سرمایه، زمستان کسالت باری را برای بورس تهران رقم زده است. به گزارش ایسنا، با نزدیک شدن به هفته های پایانی سال، عرضه ها در بورس و فرابورس ایران مانند سال های گذشته بیشتر شده و بازار سرمایه در کمبود نقدینگی به سر می برد.

در این مدت تعداد زیادی از سهام داران عمده اقدام به فروش می کنند و تقاضا از طرف

گزارش

در هفته گذشته شاهد بودیم

سایه سرد زمستان بر بورس تهران